

اثر توسعه اقتصادی بر رشد جمعیت

نوشته

علی اصغر مهاجرانی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

«گروه علوم اجتماعی»



پښتونستان د علومو او مطالعاتو مرکز
پښتونستان د علومو او مطالعاتو مرکز

مقدمه:

با آنکه همه کارشناسان و پژوهشگران مسائل توسعه کم و بیش بر این باورند که بین جمعیت و توسعه اقتصادی - اجتماعی روابط متقابلی وجود دارد، اما آنچه بیشتر مورد بحث و بررسی قرار گرفته، اثر رشد جمعیت بر توسعه بوده و تأثیر متقابل توسعه بر جمعیت آن چنان که باید و شاید در نظر نیامده است. دلیل این امر اینست که غالباً علت اصلی عدم موفقیت برنامه‌های توسعه در کشورهای جهان سوم را رشد جمعیت می‌دانند. بی‌شک رشد جمعیت می‌تواند موانع جدی بر سر راه توسعه ایجاد کرده دست کم «مشکلات توسعه نیافتگی را تشدید کند» (۱). ولی این واقعیت نیز پذیرفته شده که برنامه‌های توسعه می‌تواند نقش اساسی در کاهش باروری داشته یا آن را سرعت بخشد. صرف‌نظر از فرآیند توسعه جمعیتی کشورهای صنعتی که با نظریه انتقالی جمعیت، یعنی انتقال از سطح مولید و مرگ و میر بالا به سطح مولید و مرگ و میر پائین انطباق دارد، موفقیت توأم برنامه‌های توسعه با برنامه‌های جمعیتی در کشورهایی نظیر کره جنوبی، کوبا، تایوان و هنگ کنگ، ضرورت همگانی این برنامه‌ها را تأیید می‌کند. از سوی دیگر عدم موفقیت برنامه‌های تنظیم خانواده در برخی از کشورهای در حال توسعه (۲) ثابت کرده که با رشد جمعیت نمی‌توان برخوردی جدا از سایر مسائل اجتماعی داشت.

در مقاله زیر با در نظر گرفتن مطالب آمده، پس از بررسی کلی چگونگی اثر توسعه بر رشد جمعیت، اثر مشخص برنامه‌های مختلف توسعه بر جمعیت و سپس اثر سیاستهای جمعیتی بر توسعه مورد مطالعه قرار گرفته است.

۱- توسعه و رشد جمعیت :

نظرات بدبینانه‌ای که به علت افزایش رشد جمعیت کشورهای در حال توسعه از سال ۱۹۵۰ و به ویژه در دهه ۱۹۷۰ پس از انتشار کتاب «بمب جمعیت» (Population Bomb) اثر زیست‌شناس امریکائی «پل ارلیک» (Paul Ehrlich) و کتاب محدودیتهای رشد (۳) رواج یافت و در قطعنامه اولین کنفرانس جهانی جمعیت ۱۹۷۴ بخارست منعکس شد، اکنون با کاهش رشد جمعیت در برخی از این کشورها اهمیت قبلی خود را از دست داده است (۴). بسیاری از پیشگوئیهای دهه ۱۹۷۰ اشتباه از کار در آمد و تولید مواد غذایی در سطح جهانی، در دهه ۱۹۸۰ در مجموع بیش از نیازهای غذایی بود، هر چند گزارشهایی در ادامه خشکسالی، قحطی، نابودی جنگلها و فرسایش خاک در برخی کشورهای فقیر جهان وجود داشته است. گرچه برخی از مدارک نشان می‌دهد که رشد سریع جمعیت عامل اصلی سوء تغذیه و گرسنگی در قسمتهایی از جهان بوده، ولی اکثریت شواهد حاکی است که عدم تلاش کافی برای توسعه و فقدان مدیریت منابع، بیش از رشد جمعیت کشورهای در حال توسعه منشأ بدبختی بوده است (۵). به همین دلیل طرح پیشنهادی دومین کنفرانس جهانی جمعیت که در سال ۱۹۸۴ در شهر مکزیکو تشکیل شد، هشدارهای روزافزونی را که موفقیت سیاستهای جمعیتی را منوط به توسعه اقتصادی و اجتماعی می‌دانست، منعکس می‌کرد. بیان‌نامه کنفرانس مکزیکو تأکید می‌کند که ارتباط ناگسستی عوامل جمعیتی و توسعه باید مورد توجه قرار گیرد. «برنامه‌های جمعیتی با هدفی والاتر از کاهش باروری باید در جستجوی راههای پیشرفت زنان و افزایش نقش آنان در خانواده و جامعه باشد. لذا سازمانهای اقتصادی و فرهنگی باید موانع و محدودیتهای مشارکت زنان در امور اقتصادی و اجتماعی را بر طرف کنند (۶)».

همانگونه که اثر رشد جمعیت بر توسعه، نه بصورت مستقیم، بلکه غیر مستقیم آشکار می‌شود، نتیجه توسعه بر جمعیت نیز چنین خواهد بود. در واقع بین جمعیت و توسعه متغیرهای واسطی قرار می‌گیرند. میزانهای جمعیتی تحت تأثیر ساخت اجتماعی، فرهنگی و ارزشهاست و برنامه‌های توسعه با تأثیر گذاری بر آنها می‌تواند بر رشد جمعیت اثر بگذارد. بنظر برخی از صاحب‌نظران،

توسعه همیشه باعث کاهش رشد جمعیت نمی‌شود. «سول» (Swell) خاطر نشان می‌کند که همزمان با توسعه اقتصادی، هر چند میزان باروری روبه کاهش می‌گذارد، ولی مرگ و میر نوزادان نیز کاهش یافته کودکان بیشتری باقی می‌مانند. زنان طالب تحصیلات بالاتر شده جامعه باید مخارج پیران و بازنشستگان را بپردازد و وظائف قبلی خانواده گسترده را بعهده گیرد (۷).

یکی از هدفهای توسعه، ریشه کنی فقر مطلق و برقراری برابری نسبی در جامعه است. فقر و رشد جمعیت دو عامل توأمند. برای مناطق روستائی اغلب کشورهای در حال توسعه باروری زیاد، ارزش اقتصادی دارد. در واقع تنها با از میان بردن فقر مطلق می‌توان به کاهش باروری دست یافت. طبقات پائین دارای موالید بیشتری هستند و هزینه فرزند در میان آنها ناچیز است. لذا تا هنگامیکه در فقر بسر می‌برند به تولید مثل بیشتر ادامه خواهند داد.

«فردمن» (Freedman) خاطر نشان می‌کند که لازمه موفقیت در کاهش رشد جمعیت

از طریق توسعه، ایجاد شرایط زیر است:

- ۱- بهداشت بهتر و افزایش امید به زندگی.
- ۲- تحصیلات بالاتر برای پسران و دختران، هر دو.
- ۳- برنامه‌های رفاهی به ویژه برای اکثریت مردم فقیری که به فرزندانشان وابسته‌اند.
- ۴- توسعه ارتباطات، حمل و نقل، اطلاعات و خدمات (۸).

در راه رسیدن به چنین هدفهایی بی‌شک موانع جدی وجود دارد. در سال ۱۹۸۵ «بانک» ترمیم و توسعه اعلام کرد که تنها در محدودی از کشورهای در حال توسعه، دولتها توانسته‌اند برنامه‌های بهداشتی را بصورت کامل اجراء کنند. اکثر برنامه‌های مذکور در مناطق شهری این کشورها پیاده شده و امکانات بهداشتی و پزشکی عمدتاً در شهرها وجود آمده است. به ویژه تکنولوژی پیشرفته یا سطح بالای پزشکی تنها در شهرها یافت می‌شود.

در باره این نظریه که توسعه بهداشت می‌تواند کاهش باروری را بدنبال آورد، اختلاف نظر وجود دارد. «پرستون» (Preston) معتقد است که سطح مرگ و میر نوزادان و کودکان نمی‌تواند نرخ باروری را توضیح دهد و بمبارت دیگر کاهش مرگ و میر نمی‌تواند موجب

پذیرش کنترل موالید شود. بنظر او این تصویر ناپسندی است که کاهش مرگ و میر را به مثابه کاهش موالید در نظر آوریم (۹).

ارتقاء وضعیت زنان، اثر تعیین کننده‌ای بر کاهش باروری دارد، ولی زنان آنطور که باید و شاید در برنامه‌ریزیهای توسعه بحساب نمی‌آیند. چهار دلیل در این باره می‌توان ذکر کرد:

- ۱- مردان تصمیم گیرندگان اصلی برنامه‌های توسعه در سطح بین‌المللی و ملی هستند.
- ۲- تولید زنان روستائی در خانه و مزرعه آشکار نیست.
- ۳- برنامه‌ریزان عموماً مقیاس کلی را در نظر دارند و علاقه کمی به نشان دادن پیشرفتهای تکنولوژیک کوچک زنان نشان می‌دهند.

۴- قدرت بدنی زنان کمتر از مردان است و گنجایش و تحمل اندکی دارند.

توسعه شهرنشینی و صنعتی شدن ممکن است فرصتهای تازه‌ای از نظر اشتغال برای زنان بوجود آورد، ولی تجربه نشان داده است که تنها شغل‌های سطح پائین در گروه کارکنان فامیلی بدون مزد برای زنان افزایش یافته است (۱۰).

۲- برنامه‌های توسعه برای جمعیت :

اغلب برنامه‌های توسعه مستقیماً هدفی برای تغییر و اصلاح ویژگیهای جمعیتی ندارد، بلکه غیرمستقیم بر جمعیت اثر می‌گذارد. انواع برنامه‌های توسعه در سه دسته طبقه‌بندی می‌شود:

- ۱- برنامه‌های اجتماعی مانند آموزش اجباری در سنین معین که بر سن ورود به بازار کار، رفتار باروری، آگاهیهای بهداشتی و در نتیجه مرگ و میر نوزادان اثر می‌گذارد. تأثیر اینگونه برنامه‌ها بر مهاجرت کمتر مشهود است و در کشورهای مختلف نتایج متفاوتی داشته است.
- ۲- برنامه‌های اقتصادی از قبیل تشویق سرمایه‌گذاریهای صنعتی و اصلاحات ارضی که بیشتر بر توزیع جمعیت اثر می‌گذارد، ولی اثر آن بر روند باروری و مرگ و میر اندک است.
- ۳- برنامه‌های توسعه منطقی‌ای که بیشتر بر مهاجرت و توزیع جمعیت تأثیر دارد، ولی تأثیرات جانبی بر باروری و مرگ و میر نیز دارد.

برخی برنامه‌های توسعه ممکن است مستقیماً اثر مهمی بر ساختمان یا توزیع جمعیت نداشته

باشد، ولی محیط های اجتماعی و اقتصادی تازه ای بوجود آورد که موجب تغییراتی در مرگ و میر یا باروری می شود (جدول شماره ۸، به اختصار انواع برنامه های توسعه و اثرات آنها را بر متغیرهای جمعیتی نشان می دهد).

۳- سیاستهای جمعیتی برای توسعه :

سیاستهای جمعیتی به سیاستهای اطلاق می شود. که در جستجوی راههای اندیشمندانه ای برای تغییر اندازه، رشد، ترکیب یا توزیع جمعیت یک کشور باشد. بعبارت دیگر سیاستهای جمعیتی را می توان در سه دسته طبقه بندی کرد :

۱- سیاستهایی که هدفشان تغییر در اندازه جمعیت است.

۲- سیاستهایی که هدفشان تغییر توزیع جمعیت است.

۳- سیاستهایی که هدفشان تغییر ترکیب جمعیت است.

در بین کشورها، در مورد سیاستهای باروری و مهاجرت تفاوت های قابل ملاحظه ای وجود دارد، ولی همه کشورها در مورد کاهش هر چه بیشتر نرخهای مرگ و میر سیاست یکسانی دارند. علت تفاوت سیاستهای باروری، تنوع فرهنگی و ایدئولوژی است. روشهای کنترل باروری از قبیل جلوگیری از آبستنی و عقیم سازی هسته اولیه بسیاری از برنامه های تنظیم خانواده بوده است. برنامه ریزان جمعیتی بطور روزافزون علاقه مند پیدا کردن راههایی برای جلب نظر مردم به استفاده از روشهای جلوگیری از باروری شده اند. روشهای غیر مستقیم، شامل پیشرفت وضعیت زنان، بالابردن سن قانونی ازدواج، ایجاد محدودیت برای معاش، مشوقهای مالیاتی و افزایش فرصتهای تحصیلی است.

کنترل رشد طبیعی جمعیت، رایج ترین برنامه جمعیتی است، هر چند مشکلات ناشی از توزیع جمعیت به ویژه تمرکز جمعیت در پایتخت، برخی از دولت های جهان سوم را به کوشش برای بوجود آوردن سیاستهایی در جهت تغییر توزیع جمعیت واداشته است. اغلب این سیاستها بطور غیر مستقیم اجراء ولی در موارد معدودی مهاجرین روستائی به مناطق بومی خود برگشت داده شده اند. اغلب دولتها در این اندیشه اند که مهاجرین را تشویق نمایند تا در مناطق خود بمانند و یا

جدول ۱- اثرات جمعیتی برنامه‌های توسعه

اثرات جمعیتی			نوع برنامه
وضعیت شغلی	مهاجرت	باروری و مرگ و میر	
			برنامه‌های اجتماعی:
x	-	x	آموزش
x	-	x	وضعیت زنان
x	-	x	بهداشت
			برنامه‌های اقتصادی:
x	x	+	صنعتی شدن
x	x	+	سیاستهای اشتغال
+	+	-	برنامه‌های آبیاری
+	x	+	اصلاحات ارضی
			توسعه منطقه‌ای:
+	x	-	گسترش قطبها
+	x	-	ایجاد شهرکهای جدید
-	x	+	گسترش مسکن و تأسیسات زیربنائی شهری

مآخذ: Findlay, Allan and Anne, Population and Development in the Third World.

x اثر شدید

+ اثر کم

- ماهیت اثر نامعلوم

به شهرکهای جدید، مناطق صنعتی نو و یا به مناطقی که طرحهای ویژه کشاورزی در آن اجراء می‌شود، مهاجرت کنند.

سیاستهای تغییر ترکیب سنی و جنسی جمعیت به ویژه در عمل بسیار مشکل است، زیرا از نظر اخلاقی ناپسند است و به ندرت تبلیغ می‌شود. مهاجرت ممکن است ساختمان سنی یا جنسی یا ترکیب نژادی جمعیت منطقه‌ای را تغییر دهد. در مقیاس بین‌المللی، برخی کشورها کنترل شدیدی بر مهاجرت به داخل و ترکیب‌بندی قومی اعمال می‌کنند (در جدول شماره ۲، روابط بین برنامه‌های تنظیم خانواده و کاهش نرخ موالید در ۶۲ کشور در حال توسعه دیده می‌شود). در این جدول، کشورها از نظر سطح توسعه اقتصادی - اجتماعی گروه‌بندی شده و موقعیت این کشورها از نظر دارا بودن سیاستهای ویژه جمعیتی مشخص شده است. چنانکه مشاهده می‌شود، اغلب کشورهای آسیائی سیاستی با هدف ویژه کاهش باروری دارند، درحالیکه بیشتر کشورهای آمریکای لاتین یا در ستون دوم جای گرفته‌اند که روشهای ویژه‌ای برای کاهش باروری ندارند و یا در ستون سوم قرار دارند که سیاست مثبت و یا منفی در مورد باروری اختیار نکرده‌اند.

جدول مذکور بطور خلاصه روابط متقابل بین توسعه و باروری را نشان داده آشکار می‌کند که برنامه‌ریزی جمعیتی تنها بعنوان یکی از حلقه‌های ارتباطی جمعیت و توسعه می‌تواند در نظر گرفته شود. کشورهایی که روشهای جامعی برای تنظیم خانواده داشته و آنها را در محیطها و شرایط مناسب اقتصادی و اجتماعی اجراء کرده‌اند، از بقیه موفق‌تر بوده‌اند.

روشهای تنظیم خانواده هرچند در کاهش نرخهای رشد جمعیت موثر است، ولی مشکلات توسعه نیافتگی را نمی‌تواند برطرف کند. برخی از اندیشمندان جهان سوم عقیده دارند که تنظیم خانواده نوش داروی مشکلات آنها نیست، بلکه علت اصلی عقب‌ماندگی نابرابری در تجارت بین‌المللی مواد خام و کالاهای ساخته شده، سرمایه و تکنولوژی است (۱۱).

نوع سیاست دولتی			سطح نسبی توسعه اقتصادی
بدون سیاست مثبت یا منفی جمعیتی	دارای سیاست جمعیتی بدون هدف ویژه کاهش باروری	دارای سیاست جمعیتی با هدف ویژه کاهش باروری	
آرژانتین کره شمالی سری لانکا	برزیل شیلی کوبا اکوادور عراق پرو ونزوئلا	کلمبیا دومینیکن هنگ کنگ مالزی مکزیک فیلیپین کره جنوبی سری لانکا ترکیه	بالا
بولیوی برمه کامرون ماداگاسکار عربستان سعودی	الجزایر افریقای جنوبی زئیر زامبیا زیمبابوه	چین مصر غنا هند اندونزی ایران گنی مراکش پاکستان تایلند تونس ویتنام	متوسط
آنگولا اتیوپی گینه ساحل ایوری کامبوج مالاوی موزامبیک نیجر ولتای علیا یمن	افغانستان هائیتی مالی نیجریه سودان تانزانیا اوگاندا	بنگلادش نیپال سنگال	پائین

منابع و یادداشتها

- ۱- تودارو، مایکل، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، ج اول، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۴، ص ۲۹.
 - ۲- در سال ۱۹۸۸، در ۵۲ کشور در حال توسعه نرخ موالید بیش از ۴۰ در هزار بوده است. در حالیکه در اغلب این کشورها سیاستهای رسمی تنظیم خانواده در دهه گذشته اعمال می شده است (نگاه کنید به گزیده مسائل اقتصادی- اجتماعی، ضمیمه شماره ۱۰۵ و ۱۰۶، آذرماه ۱۳۶۹).
 - ۳- این کتاب با همین نام بوسیله دکتر بهزاد به فارسی ترجمه شده و به وسیله انتشارات جیبی چاپ شده است.
 - ۴- بویژه می توان از کاهش نرخ موالید در دو کشور پرجمعیت چین و هند و از کاهش نسبتاً شدید موالید در کره جنوبی، تایوان، هنگ کنگ، کوبا، سریلانکا و آرژانتین نام برد (نگاه کنید به مآخذ شماره ۲).
- 5,6 - Findlay, Allan and Anne, Population and Development in the Third word . Methuen , London and Newyork , 1987
P VIII and IX.
- 7- Simmons , Ozzie G. , Perspectives on Development and Population Growth in the Third word , Plenumpress, Newyork , 1988.
- 8- Preston , Samuel H. , Effect of infant and child Montality on fertility , Newyork , Academic press, 1978.
- 9- Simmons , Ozzie.
- 10 - Findlay , Allan and anne , P 67.



پښتونستان ښار، پوهنتون جامع اسلام آباد
پرتال جامع علوم انسانی